

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۱۳

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۲۶ آوریل ۲۰۱۹

زنده باد اول مه!

کارگران! یک اول مه دیگر فرا رسید و هنوز در همه جای جهان ما کارگران زیر حاکمیت ارتجاعی مفتخوران سرمایه دار قرار داریم. اول مه فرا رسید و در ایران اکثریت ما با زندگی زیر خط فقر با عقب مانده ترین ارتجاع مذهبی سرمایه داری دست و پنجه نرم میکنیم. اول مه فرا رسید و جامعه دستخوش بلایایی غیر قابل تصور است که سرمایه بر مردم حاکم کرده است. اما کارگران! صدای پای ما، صدای پای اداره شورایی، پژواک "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی"، در سراسر جامعه به گوش میرسد و به گفتمان سراسری تبدیل شده است. وحشت از اسماعیل بخشی ها و هفت تپه و فولاد اهواز و

هیکو و انقلاب کارگری را حاکمین نمیتوانند مخفی دارند. پیشروی ما و بن بست آنها آشکار است. این روند برگشت پذیر نیست. با سرکوب و زندانی کردن رهبران کارگری نمیتوانند آنرا متوقف کنند. امسال در روز جهانی کارگر با برافراشتن پرچم شورا و اداره شورایی، با برافراشتن پرچم سوسیالیسم و جامعه انسانی، عزم خود را برای پیشرویهای اساسی تر و ریشه کن کردن کل حاکمیت سرمایه داران اعلام کنید!

زنده باد اول مه!
زنده باد اداره شورایی!
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۵ آوریل ۲۰۱۹،
۵ اردیبهشت ۱۳۹۸

نامه ای از یک رفیق فعال کارگر از ایران
در باره عضویت در حزب
شهلا دانشفر

صفحه ۸

ضمیمه انترناسیونال ۸۱۳ منتشر میشود

کمونیسم و ناسیونالیسم

در کردستان

حمید تقوایی

زنده باد روز جهانی علیه توحش سرمایه داری!

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

صفحه ۲

گفتگو با شهلا دانشفر در باره اول مه

صفحه ۲

اول ماه مه، روزی برای همه!

آرش دشتی

صفحه ۵

انتخابات اکرین: بحران حکومتی سرمایه داری

خلیل کیوان

صفحه ۶

از ماری آنتوانت تا علالدین بروجردی: نمایش یک حماقت

خلیل کیوان

صفحه ۶

نامه ای از اصفهان و چند پرسش از حمید تقوایی

صفحه ۷

مروری کوتاه بر مبارزات کارگران

نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در سال ۹۷

شهلا دانشفر

صفحه ۹

اطلاعیه ها:

در مورد نمایش مسخره "هفته کارگر" حکومت اسلامی

در محکومیت اقدامات تروریستی در سریلانکا

فراخوان معلمان به تجمعات سراسری در مقابل مراکز آموزش و پرورش

فراخوان های تشکل های کارگری و معلمان به برگزاری اول ماه مه

بساط زندانهای سیاسی باید برچیده شود!

صفحه ۱۱ تا ۱۳

سال گذشته سال اعلام "اداره شورایی" و سال قهرمانی
کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، سال اسماعیل بخشی
ها و سپیده قلیان ها و جعفر عظیم زاده ها بود.



زنده باد اول مه

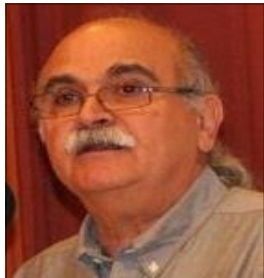
گفتگو با شهلا دانشفر در باره اول مه



خلیل کیوان : در آستانه اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت و برگزاری جشن جهانی هستیم. ویژه گیهای اول مه امسال بنظر شما چیست؟

شهلا دانشفر : ویژگی های اول مه امسال را میتوان در تداوم اتفاقات شورانگیزی که در سال ۹۷ گذشت و پیشروی های جنبش کارگری در همین یکسال اخیر دید و توضیح داد. سال ۹۷ بطور واقعی سالی تحول ساز در جنبش کارگری بود. در این سال جنبش کارگری در تداوم خیزش دیماه با تجمعات و راهپیمائی ها و اعتصاب سراسری، با کشاندن اعتراضات به سطح شهرها، با به میدان آمدن خانواده های کارگری و بخش های مختلف جامعه حول گفتمان های کارگری و با شکل گیری همبستگی مبارزات در بخش های مختلف جامعه و جلب وسیعترین همبستگی های بین المللی کارگری گامی بزرگ به جلو برداشت. دو نمونه درخشان از این اعتراضات؛ اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز بود. بدین ترتیب سال ۹۷ سال عروج جنبش کارگری در بعدی اجتماعی و در جلوی صحنه سیاسی جامعه بود. بعلاوه، سال گذشته، سال گفتمان اعتصابات سراسری بود؛ اعتصابات سراسری قدرتمند معلمان در بیش از ۱۱۰ شهر و رانندگان کامیون در بیش از ۳۲۰ شهر الگویی در مقابل کل جامعه قرار داد. در سال گذشته ما همچنین شاهد اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو و آذرب،

زنده باد روز جهانی علیه توحش سرمایه داری! پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر



فرا رسیدن اول مه روز جهانی کارگر را به همه کارگران و مردم آزاده در ایران و در سراسر جهان تبریک میگویم.

روز جهانی کارگر روز سوسیالیسم است. اول مه روز برافراشتن پرچم سوسیالیسم در برابر نظم ضد انسانی سرمایه و تمام مصائب و تبعیضات و بیحقوقی هائی است که سوداندوزی سرمایه داران برای اکثریت عظیم مردم کره ارض بار آورده است. امروز سرمایه داری بجز ریاضت کشی اقتصادی، تشدید فاصله عظیم بین ثروت نجومی یک در صدیها و فقر و بیحقوقی غیر قابل تحمل نود و نه در صد مردم جهان، و حتی خطر نابودی کره ارض، ارمغانی برای مردم جهان ندارد. بورژوازی جهانی با یک بحران مزمن ایدئولوژیک- سیاسی- اقتصادی روبروست و حتی آکادمیسین ها و اتاقهای فکری طبقه حاکمه در مورد غیر قابل ادامه بودن این وضعیت و احتمال انفجارات اجتماعی به دولتهای متبوعشان هشدار میدهند. اما راه رهائی بشریت را نه هشدار و توصیه به حکومتها، بلکه مبارزه برای تحقق آینده ای که طبقه کارگر در چشم انداز قرار میدهد، مبارزه برای سوسیالیسم، رقم میزند. بیهوده نیست که امروز ایده و آرمان سوسیالیسم دوباره حتی در کشورهای غربی جا باز میکند و رسانه ها و نشریات معتبر بورژوائی از بازگشت سوسیالیسم و از

سوسیالیسم هزاره سخن میگویند. روز جهانی کارگر روز کیفرخواست علیه کاپیتالیسم و روز نقد سوسیالیستی نظام موجود است. روز عرض اندام طبقه ای است که میتواند و باید خود و بشریت را از نظم ضد انسانی سرمایه رها سازد.

امروز طبقه کارگر در ایران در صف مقدم مبارزه علیه یک درصدیهای مفتخور سرمایه دار قرار دارد. جنبش کارگری ایران در یکسال گذشته با مبارزات سراسری و پیگیر خود نظیر تظاهرات و مارش با شکوه کارگران هپکو و اعتصاب رانندگان کامیون و تجمعات و اعتصابات سراسری معلمان و بازنشستگان و بویژه با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، گام بلندی در پیشروی جنبش مردم علیه حکومت اسلامی سرمایه بجلو برداشت. فعالین جنبش کارگری شکنجه و زندان و بیدادگاههای اسلامی را بچالش کشیدند و به چهره های محبوب جامعه تبدیل شدند و بهمراه این پیشرویها جنبش کمونیستی و کمونیسم کارگری نیز به مرکز توجه و سیاست رانده شد. اول مه امسال روز تثبیت این دستاوردها و کسب آمادگی برای پیشرویهای بیشتر است. مهمترین دستاورد جنبش کارگری در سالی که گذشت برافراشتن پرچم شوراها و اداره شورائی جامعه بود. هشت سال قبل جنبش اشغال با سازماندهی تشکلهای نوع شورائی و بدست گرفتن

کنترل میادین و پارکها اتوریته یک درصدیهای حاکم را بچالش کشید و امروز طبقه کارگر ایران با شعار اداره شورائی گام بلند دیگری در مقابله با حکومت یک درصدیهای سرمایه دار بجلو برمیآورد.

شوراها و تشکلهای نوع شورائی نه تنها امروز در امر به پیش بردن مبارزات جاری، در امر کمک و امداد رسانی به سلیزدگان، و در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ای دارند بلکه تصویر روشنی از حکومت مردم بدست مردم ترسیم میکنند. تصویری از حکومت شورائی که میتواند و باید جانشین جمهوری اسلامی شود و لغو کار مزدی و امحای تبعیض طبقاتی، و آزادی و برابری و رفاه سوسیالیستی را به ارمغان بیاورد.

اول ماه مه امسال در ایران روز اعلام عزم طبقه کارگر برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه و برپائی شوراها و اداره شورائی جامعه است.

زنده باد اول مه!

زنده باد شوراها!

زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوائی

۴ اردیبهشت ۱۳۹۸

۲۴ آوریل ۲۰۱۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۲

گفتگو با شهلا دانشفر در باره اول مه

"توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "ما همه بخشی هستیم"، "کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، حماسه‌ها آفرینند. نقطه شورانگیز همه این اتفاقات جلو آمدن گفتمان های رادیکال، چپ و به چالش کشیدن حکومت سرمایه داری مفتخور حاکم در کف خیابان بود. از جمله در جریان اعتراضات کارگران هفت تپه، گفتمان اداره شورایی کارخانه و اداره شورایی کشور فضای سیاسی جامعه را فرا گرفت و اسماعیل بخشی از جمله محبوبترین چهره های سیاسی شد. همچنین، شعارهایی چون "سرمایه داری مفتخور نمیخواهیم"، "حکومت فقر و چپاول و شکنجه نمیخواهیم"، "دولت سرمایه دار حرف حالیش نمیشه"، "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبودی"، شعارهایی بود که توسط کارگر، معلم، بازنشسته، مالباخته، دانشجو و ۹۹ درصدی های جامعه در کف خیابان فریاد زده شد. در نتیجه سیر تحولات به آنجا کشیده شد که زیر فشار آن مدیای راست بطور بیسابقه ای ناگزیر به پوشش دادن اخبار کارگری گردید و مقامات مختلف حکومت اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و جلو آمدن رهبری چون اسماعیل بخشی را که محبوب کارگران و مردم است را به حزب نسبت داده و حملات خود را متوجه کمونیست ها و مشخصا حزب کمونیست کارگری کردند. به این اعتبار سال گذشته، سال عروج جنبش کارگری با آلترناتیو چپ و کمونیستی بود. این اتفاق بدون شک تأثیرات خود را در بیانیه و

قطعه‌نامه های اول مه امسال نیز انعکاس خواهد داد.

بنابراین جا دارد که بگوییم اول مه امسال، روز ارج گذاشتن به همه این پیشروی ها و نمایش همبستگی قدرتمند کارگری و روز اتمام حجت کارگران و کل جامعه برای خاتمه دادن به بساط توحش سرمایه داری حاکم است.

لازم است به سیل که بدون شک بر چهره اول مه امسال تاثیر میگذارد اشاره کنم. سیل ویرانگری که در ظرف یک ماه در ۲۵ استان فاجعه آفرید. فاجعه ای که بیش از هر چیز توحش سرمایه داری دزدسالار حاکم را به نمایش گذاشت. به این خاطر انگشت اتهام به سوی حکومت چپاولگر و مفتخور نشانه رفته است که عامل و مسبب گسترش دامنه فاجعه سیل به چنین ابعاد عظیمی شده است. موضوعی که کل جامعه را به خشم آورد و باعث شد مردم در یک هیستگي کم نظیر با برپایی ستادهای همیاری، در سطح سراسری به میدان آمده و خود وارد عمل مستقیم شده و با این کار بطور واقعی از حکومت چپاولگر اسلامی سلب اعتبار و مشروعیت نمایند و گفتمان اداره شورایی را دامن زنند.

تأثیر این اتفاق را نیز در گفتمان هایی که بر سر برگزاری مراسم روز جهانی کار به راه افتاده میتوان به روشنی دید. از جمله یک بند قطعه‌نامه های روز جهانی کارگر دفاع از خواستها و مطالبات سیل زدگان است. به این اعتبار اول مه امسال روز کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه چنین ابعادی از

جنایت سرمایه داری دزد سالار حاکم و بساط سودجویی و چپاولگری هایش است.

خلیل کیوان : مهمترین خواست های طبقه کارگر که باید در اول مه برجسته شوند کدامند؟

شهلا دانشفر : بخشی از خواستها از جمله تاکید بر وسیعترین آزادی ها در سطح جامعه و برسمیت شناخته شدن بدون قید و شرط حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض و تجمع، آزادی بیان و اندیشه و آزادی احزاب و مطبوعات هستند که به نظرم باید جزو رؤس اصلی قطعه‌نامه های اول مه قرار گیرند. با این ویژگی که در شرایطی که گفتمان اداره شورایی به گفتمان بخش وسیعی از جامعه تبدیل شده است، اول مه فرصتی است که این گفتمان را به عنوان آلترناتیو اداره کل جامعه به جلو آورد و بنرهای آن در همه جا برافراشته شود.

از سوی دیگر اتفاقاتی که در جریان دستگیری اسماعیل بخشی و انتساب او به "حزب کمونیست کارگری" با هدف پرونده سازی های جدیدی برای دستگیری اش روی داد تاکید بر حق تحزب یابی و آزادی احزاب در کنار دیگر خواستهای سیاسی پایه ای جامعه و محوری بودن آنها در قطعه‌نامه های اول مه است. از جمله در جریان این اتفاقات و نمایش مفتضح "طراحی سوخته" از سوی صدا و سیمای جمهوری اسلامی، جامعه با شعار مستند، شکنجه دیگر اثر ندارد به دهانشان کوبید و گفتمان اینکه عضویت در احزاب جرم نیست بیش از پیش به گفتمان مردم در سطح جامعه تبدیل شد.

همچنین خواستهای برابری

کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی با تاکید بر ممنوعیت حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و نیز ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی، تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان مستقل از وضعیت خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی؛ خواستهای پایه ای دیگری هستند که حول آنها امروز جنبشی قدرتمند در سطح جامعه جریان دارد و قطعه‌نامه های اول مه باید انعکاس صدای این اعتراضات و حقوق پایه ای در سطح جامعه باشد.

خواست برجسته دیگر برای اول ماه مه امسال خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۷ میلیونی با مطالبه برچیده شدن حقوق های نجومی است. این خواست بیان اعتراض جامعه به زندگی زیر خط فقر و تبعیض ها و نابرابری های حاکم است. در کنار این مطالبه خواستهای مهم دیگری هستند که معمولا بندهای قطعه‌نامه های اول مه را تشکیل میدهد. این خواستها عبارتند از: بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار اعم از زن و مرد در همان سطح حداقل دستمزد ۷ میلیون تومان و توقف فوری بیکارسازیها، درمان رایگان برای همه، تسهیلات لازم برای تامین مسکن، ایمنی محیط های کار و پایان دادن به جنایاتی که تحت عنوان "سوانح کاری" لاپوشالی میشود، پرداخت فوری دستمزدهای به سرقت رفته و مطالبات عقب افتاده کارگران، معلمان و بازنشستگان، لغو قراردادهای موقت برده وار

کاری، کوتاه شدن دست پیمانکاران و بساط مافیای اقتصادی و دزد سالار از محیط های کار و پایان دادن به سیاست های فاشیستی حکومت اسلامی علیه کارگران افغانستانی و به رسمیت شناختن حق شهروندی برای آنها و رفع هرگونه تبعیض علیه آنان. این خواستها همین امروز موضوعات اعتراضات هر روزه کارگران و بخش عظیمی از مردم در دفاع از زندگی و معیشتشان هستند. کارگران و مردم معترض با بیان این خواستها کل بساط دزدسالار حاکم را به چالش کشیده و بر از بین رفتن این فاصله عظیم طبقاتی در سطح جامعه تاکید دارند.

بخش دیگر خواستهایی هستند که کل بساط سرکوب و جنایت حکومت را به چالش میکشند. از جمله خواستهایی نظیر آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی، ممنوعیت مجازات اعدام، ممنوعیت مجازاتهای شنیع اسلامی از جمله احکام شنیع شلاق، و دفاع از کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه زندان و شکنجه و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو تمامی احکام امنیتی اعتراضی به بساط سرکوب و جنایت حکومت وحشی حاکم است که پرچمش را جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی بدست گرفتند. از نظر من قطعه‌نامه های اول مه باید در همین جامعیت این خواستها را که همین امروز موضوع اعتراض کارگران و کل جامعه هستند را پوشش دهد و عکس های اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و جعفر عظیم زاده و دیگر زندانیان سیاسی باید در تجمعات اعتراضی روز

از صفحه ۳

گفتگو با شهلا دانشفر در باره اول مه

جهانی کارگر بدرخشند.

آخرین بخش از خواسته‌هایی که ویژگی اول مه امسال است و در اولویت قرار دارند، مربوط به قربانیان سیل ویرانگری است که در یکماه اخیر به راه افتاد است. سیلی که زندگی و هستی صدها هزار از مردم را به کام خود کشیده و ابعاد عظیم این فاجعه انسانی اوج توحش سرمایه داری دزدسالار حاکم را به نمایش گذاشته است. اول مه، روز جهانی کارگر بنا بر خصلتی که دارد، روز اعتراض سراسری همه مردم علیه چنین ابعادی از صدمه و ویرانگری سیل بخاطر سیاستهای مخرب و چپاولگرانه حکومت سرمایه داری حاکم است. تامین فوری مسکن برای سیل زدگان و جبران خسارات ناشی از سیل ویرانگر برای تمامی کسانی که خسارت و آسیب دیده اند و از جمله پرداخت بیمه بیکاری به تمام کسانی که سیل باعث از دست دادن کار و امکان امرار معاششان شده است و تامین بهداشت و درمان رایگان برای آنان رئیس خواسته‌های مهم ما در دفاع از سیل زدگان در قطعنامه‌های اول مه باید باشد.

خلیل کیوان : آیا میتوان تصور کرد که در پی اعتراضاتی که اوج میگیرد، کارگران و طبعا سایر بخش های جامعه شوراهایشان را برپا کنند، حکومت را ساقط کنند و اداره کشور را بدست گیرند؟ نقش حزب در چنین روندی چه خواهد بود؟

شهلا دانشفر : پاسخ من به سوال شما مثبت است. حزب ما خود نقش مهمی در جلو آوردن گفتمان شوراها داشته و اسناد بسیاری بر سر این موضوع داریم. از جمله

جامعه است که جامعه خود دست به اقدام مستقیم میزند. کارگر از اینکه خودم کارخانه را بدست میگیرم تا جلوی دزدی ها را بگیرم و با فروش ضایعاتش دستمزد را نقد کنم سخن میگوید و در جریان سیل ویرانگر مردم در سطلی سراسری خود وارد عمل مستقیم شده و ستادهای همیاری شان را شکل میدهند و در برابر بی مسئولیتی ها و ناتوانی حکومت در اداره امور، این گفتمان شورایی است که به جلو آمده است. بدین ترتیب تشکیل شوراها تنها به کارگران محدود نمیشود بلکه در شرایط انقلابی ابزار موثر اعمال اراده توده مردم برای بجالش کشیدن قدرت حاکمه و بزیر کشیدن حکومت است. سیر تحولات سیاسی جامعه نیز نشانگر همین روند است و تجربیات مبارزاتی کارگران و خود مردم بیش از پیش کارایی شوراها را به عنوان آلترناتیو اداره جامعه قدرت بخشیده است. نقطه شورانگیز اینجاست که گفتمان اداره شورایی امروز در کنار گفتمان های دیگر چپ و کمونیستی و با به چالش کشیدن توحش سرمایه داری حاکم و اینکه سوسیالیسم پاسخ است دارد به جلو می آید و ما خود از همان ابتدا مبانی آنرا روشن کرده ایم و در جلو آمدن این گفتمانها میدانی و در سطحی اجتماعی و فراگیر نقش تعیین کننده ای داشته ایم.

خلیل کیوان : در باره همکاری فعالین کارگری با یکدیگر برای برگزاری اول مه و حتی فراتر از آن برای همکاریهای وسیعتر و بر سر مسائل دیگر چه میتوان کرد؟ **شهلا دانشفر :** همانطور که در سوال اول و ویژگی های اول ماه امسال توضیح دادم ما امروز بیش از هر وقت شاهد

همبستگی های مبارزاتی نه فقط در میان بخش های مختلف کارگری بلکه در سطح جامعه و در میان ۹۹ درصدی های هستیم. از جمله دیدیم که چگونه حول اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز همبستگی ها شکل گرفت و کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو و بخش های مختلف معترض مردم در کنار هم قرار گرفتند و شعارهای "معلم، کارگراتحاد، اتحاد"، "معلم ، بازنشسته، دانشجو، کشاورز اتحاد، اتحاد" سر داده شد. این کنار هم قرار گرفتن ها بطور ناگزیر رهبران رادیکال و معترض این جنبش ها را بهم نزدیکتر میکند. در عین حال به لحاظ مضمونی نیز مبارزات بخش های مختلف جامعه را بهم نزدیک میکند. تصادفی نیست که شعارهایی چون "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "حکومت فقر و سرکوب نمیخواهیم، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "خط فقر ۷ میلیون، حقوق ما دو میلیون" به شعارهای مشترکی در تجمعات اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان ، مالباختگان و بخش های مختلف معترض جامعه تبدیل شده است.

این ها همه بستر واقعی کنار هم قرار گرفتن رهبران کارگری و اعتراضات بخش های مختلف اجتماعی برای برگزاری یک اول مه با قدرت است. من شک ندارم که این ضرورت علیرغم برخورد های سکتی و فرقه گرایانه خود را بر واقعیت تحمیل خواهد کرد. و اینجا نیز این کارگر رادیکال و کمونیست است که باید به عنوان رهبر اعتراضات کل جامعه علیه نظم موجود قد علم کند و نقش متحد

کننده مبارزات بخش های مختلف جامعه علیه استثمار و توحش سرمایه داری حاکم را عهده دار شود.

من بسیار خوش بین هستم و طلایه های چنین حرکتی را شاهدیم. یک نمونه کوچک آن همین ستادهای همیاری با سیل زدگان است. در راس این ستادها معلمان قرار دارند. اما دیدیم بخش های دیگر جامعه نیز به این ستادها پیوستند و این همیاری ها ابعادی سراسری گرفت. نمونه دیگر در هشت مارس اتفاق افتاد و همانطور که اشاره کردم امسال همسرنوشتی مبارزاتی جنبش رهایی زن با جنبش کارگری را پررنگ تر از هر سال شاهد بودیم. در هر حال اکنون که چند روز به اول ماه مه نمانده است. فراخوان من به همه فعالین کارگری و همه سازماندهندگان این روز بزرگ اعتراض سراسری اینست که در کنار هم بایستند و به عنوان نماینده خواسته های کل جامعه به استقبال این روز بروند. در عین حال فراخوانم به همه بخش های جامعه اینست که وسیعا در مراسم های روز جهانی کارگر شرکت کنند.

اول مه فقط روز کارگر نیست بلکه روز همبستگی همه مردم علیه بختگ سرمایه داری حاکم است. در ادامه پاسخ به این سوال بد نیست اشاره ای هم به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای پیگیری مطالباتشان به تجمع در روز معلم در دوازده اردیبهشت در مقابل مراکز آموزش و پرورش اشاره کنم. معلمان در این فراخوان روز جهانی کارگر را نیز گرمی داشته اند. پیام معلمان را با همبستگی با مبارزاتشان و صفحه ۵

اول ماه مه، روزی برای همه!

آرش دشتی

علت فقر تحمیل شده و گرانی مسکن، سرپناهی ندارند. روز مردمی است که گرانی ویی مسکنی آن ها را به حاشیه ی شهرها رانده است.

اول ماه مه، روز دانشجویانی است که ستم و نابرابری، فرصت و اجازه ی آزاد اندیشی را از آن ها سلب کرده و آزارشان می دهد و از همین الان علیه بیکاری و استثمار که سر راهشان کمین کرده است، فریاد اعتراض سر می دهند.

روز زنان و مردان شالیکار و پنبه چین است که حاصل دسترنج شان سفره ی آفازاده ها را رنگین می کند.

روز زلزله زدگان غرب کشور است که پس از دو سال هنوز سقفی بالای سر ندارند. روز سیلزدگانی است که تخریب سودجویانه ی دولت و رانتخواران و وابستگان به زور و قدرت از جنگل و رودخانه و کوه و دشت، هستی آن ها را با خود برد و بی کفایتی مسوولان زندگی آن ها را در نگرانی های کشنده ای غرق کرده است.

اول ماه مه، روز رزم و عزم زنانی است که جانانه علیه تبعیض و بی حقوقی و علیه قوانین پوسیده ازدواج و طلاق و حضانت و ارث و حجاب به پا خواسته اند و آشکار و علنی در میدان های شهرها، روسری ها را به چوب بستند و به باد دادند و به جا، دختران خیابان انقلاب نام گرفتند.

اول ماه مه، روز اعتراض بازنشستگی است که به فقر کشیده شده اند که اندوخته های سی ساله شان در صندوق های بازنشستگی غارت می شود و فریادشان به فلک رسیده است.

صفحه ۱۰

روز ماهیگیری است که دریا و ماهی هایشان پیشفروش شده اند و تورهایشان مانند سفره هایشان خالی است.

روز نفتگرانی است که شیره ی جان و جوانی شان به یغما می رود.

روز کولبران - این کارگران بی کار - است که مجبورند با کوله بذری از فقر تحمیلی، گردنه ها و کوه ها را درنوردند و از کوه پرت شوند و یا با گلوله های مستقیم آدمکشان اسلامی از پا درآیند.

اول ماه مه، روز زنان قالیبافی است که آرزوهایشان را به دار فقر آویخته اند.

یازده اردیبهشت، روز دستفروشان است که از کار رانده شده اند و بساط محقرشان پایمال مثنی اجامر و ارادل اجیر شده ی شهرداری ها می شود.

روز کارگرانی است که به کارگل واداشته شده اند و خشت خشت کاخ ها و آسمانخراش ها از رنج بی گنج آن ها بالا رفته است.

روز معلمانی است که نیروهای آینده ی کار را آموزش می دهند و هنوز گرسنه اند و دستمزد بخور و نمیرشان ماه ها به تعویق می افتد و با اعتراض و تحسن، قسمتی از آن پرداخت می شود و آن ها با همه ی فشارها علیه بیعدالتی آموزشی و علیه پولی سازی و کالایی سازی و طبقاتی کردن آموزش فریاد می زنند.

روز رانندگان روز مزدی است که برای احقاق حقوق خود راهی جز خاموش کردن تاکسی تا و کامیون هایشان ندارند.

روز کارتن خواب ها و گورخواب هایی است که به

اول ماه مه، فقط روز همبستگی کارگران نیست. روز همه ی مزدبگیران و فرودستان است. روز به چالش کشیدن سرمایه از سوی نیروهای کار است.

روز مارش بزرگ هیچ بودگان! علیه سیستمی است که از کار و خون انسان های شریف و مولد همه ی ثروت ها و نعمت های جهان تغذیه می کند.

یازده اردیبهشت - اول ماه مه، روز اعلام کیفرخواست جمعیت ۹۹ درصدی علیه زالوهای یک درصدی است. این روز، روز جشن کارگران نیست، روز جنگ تمام عیار نیروی کار با سرمایه نظام سرمایه داری است.

اول ماه مه، روز فروشندگان نیروی کار در قبال مزد است، مزدی که در بسیاری از کشورها مخصوصا در جمهوری اسلامی ارزش آن به اندازه ی ارزش دو ساعت عرق ریزان کارگر هم برابری نمی کند.

روز جدال تاریخی و فریاد اعتراض کسانی است که جهان و هرچه که در آن است از کالاها و خدمات حاصل کار اوست.

روز دادخواهی کارگرانی است که به جرم دفاع از معیشت همزنجیران خود به بند کشیده شده اند. روز دادخواهی زنان و مردانی است که صرفا به خاطر همراهی اسماعیل بخشی ها زندانی شده اند. روز سپیده قلیان هاست. روز علی نجاتی هاست. روز کیفرخواست معدنچیان بورت و کرمان و آقدره است که بارها و بارها در دل کوه ها جان سپرده اند و معترضان شان، شلاق خورده اند.

گفتگو با شهلا

دانشفر در باره

اول مه

کارخانجات و راهپیمایی خانه کارگرها در تهران به بیعت با آرمانهای امام راحلشان که کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را برپا کرده است.

کارگران و مردم معترض در کف خیابان و با شعارهای "حکومت مفتخور سرمایه دار نمیخوایم"، "اسلامو پله کردن، مردمو ذله کردن" بارها و بارها پاسخ چنین مزخرفاتی را داده اند.

اجتماع مستقل و با شکوه روز جهانی کارگر در تهران و در تمام شهرستانها و تبدیل برنامه های خانه کارگری ها در کارخانجات به محل اعتراضاتمان برای داشتن

یک زندگی انسانی پاسخ درخورد کارگران و همه مردم به سرمایه داران مفتخوری چون محبوب و حکومت چپاولگر و فاسد جمهوری اسلامی است. بساط شوراها ی اسلامی را باید از تمام کارخانجات جارو کرد.

جمع شدن نیروهای سرکوبگر از محیط های کار یک خواست دیگر مهم کارگری در اول مه امسال باید باشد.*

از صفحه ۴

شرکت وسیع در تجمعات آنها و با بنر گرامی باد روز جهانی کارگر، کارگر، معلم، اتحاد، اتحاد در سطحی سراسری باید داد. همانطور که یک نیروی بزرگ شرکت کننده در مراسمهای روز جهانی کارگر معلمان خواهند بود.

در آخر به تقلابهای حکومتیان به مناسبت "روز کارگر" اشاره میکنم. حکومت اسلامی به روال هر سال هفته کارگر را به ریاست مزدوران خانه کارگر تحت

عناوینی چون "تجدید میثاق با آرمانهای امام و رهبری، گام دوم انقلاب" و "مسابقه قرآن خوانی"، "حضور کارگران در نمازهای جمعه سراسر کشور" و "کارگران، همت، ابتکار، خلاقیت برای رونق تولید" و راهپیمایی

برای روز ۱۱ اردیبهشت به راه انداخته است. از جمله محبوب نماینده مجلس اسلامی و دبیر کل خانه کارگر با گفتن اینکه ماهیت این راهپیمایی اعتراضی است و چه مجوز بگیرند و چه نگیرند این راهپیمایی صورت خواهد گرفت، کارگران را به شرکت در مراسم فرمایشی دولتی روز کارگر در

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانتخواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و آب و برق و گاز را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

از ماری آنتوانت تا علاالدین بروجردی: نمایش یک حماقت خلیل کیوان



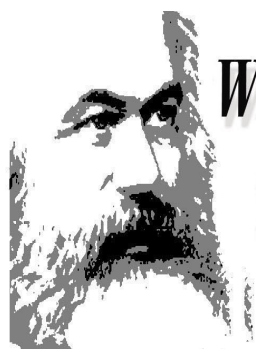
علاالدین بروجردی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس سه شنبه سوم اردیبهشت (23 آوریل) میگوید: "اگرچه مردم از افزایش قیمت‌ها ناراضی هستند و اعتراض می‌کنند اما حجم خریدها نیز در این مدت بیشتر شده است." بدنبال آن اضافه میکند که: «اگر مردم خرید نکنند، قیمت بسیاری از کالاها ارزان می‌شود». «عجب! گفته هایی در تاریخ ماندگار میشوند. این گفته بروجردی از جمله آنهاست. این نوع عبارات از یک طرف فاصله بالایی‌ها از پائینی‌ها را نشان میدهد و از طرف دیگر عجز حکومتی‌ها از درک واقعیات را بنمایش میگذارد. اظهاراتی از این دست آشنا و کلاسیک اند. وقتی که سران و چهره‌های رژیم‌های در حال احتضار، از واقعیات و مردم بیشتر فاصله میگیرند، حماقت خود را هم، بیش از پیش بنمایش میگذارند. معروف است وقتی که در ماه ژوئن سال ۱۷۸۹ و در آستانه انقلاب فرانسه، ماری آنتوانت ملکه لویی، از کاخ ورسای صدای مردم گرسنه را شنید، پرسید: مردم چرا ناراضی‌اند؟ و در جواب وقتی می‌شنود که بخاطر گرانی نان است، میگوید: "اگر نان ندارند برونند کیک بخورند!" این گفته ماری آنتوانت یکی از

انتخابات اکران: بحران حکومتی سرمایه داری خلیل کیوان

اینکه او در این جهت گام برمیدارد وجود ندارد. ساده نگری خواهد بود که شگفتی نتایج انتخابات اکران را صرفاً در انتخاب یک کم‌دین ناشناس که علیه جنگ سخن میگوید، بر علیه فساد شوریده است و خواهان اصلاحات سیستم قضایی است، و تعصبی از صحبت کردن بزبان روسی ندارد، و به همین خاطر توجه روس‌های شرق بحران زده اکران و جوانان کشور را خود جلب کرده است، خلاصه کنیم. انتخابات اکران نمایشی دیگر از بحران حکومتی سرمایه داری است که هر بار در این یا آن کشور خود را نمایان میکند. این انتخابات یکبار دیگر بر روی گردانی و بی اعتمادی مردم نسبت به سیستم سرمایه داری، مکانیسم‌ها، عملکرد و همچنین احزاب آن را صحنه گذاشت. رویگرانی از سیستم حکومتی مافوق مردم در غرب را، بارها در نرخ پایین مشارکت در انتخابات و یا مشارکت از روی اجبار و با هدف انتخابی بین بد و بدتر، در جنبش‌های اعتراضی نظیر جنبش اشغال خیابان‌ها، علیه وال استریت و برگزیت شاهد بوده ایم. اکران استثنایی بر این قاعده نیست.*

چه می‌تواند بکند؟ مردم مطالبات زیادی دارند. حال سؤال این است که آیا زلنسکی میتواند به آنچه که پروشکو وعده داده بود و باعث شکست او شد جامعه عمل ببوشاند؟ علاوه براین، پاسخ او برای مبارزه با فقر گسترده و شکاف طبقاتی که طی ده‌های گذشته در اکران رشد کرده است، چه میکند؟ مردم اکران هم مثل بسیاری از مردم دنیا از بورکراسی مافوق و فاسد و وعده و وعیدها به تنگ آمده اند. به فرض اینکه رئیس جمهور جدید به آنچه میگوید وفادار هم بماند، سؤال این است که برای حل مشکلاتی که باعث انتخاب وی شد به چه سیاستها، روش‌ها و ابزارهایی برای تحقق آنها متوسل میشود؟ او در چارچوب اقتصاد سرمایه داری با نسخه‌های ریاضت کشی بانک جهانی و با بورکراسی و سیستم بالای سر مردم چه می‌تواند بکند؟ کار زیادی از او ساخته نیست. خود او هیچ چیزی در این باره نگفته است. آنچه روشن است این است که او نمی‌تواند با حفظ سیستم موجود و بدون دست بردن به ریشه‌ها و در هم کوبیدن بورکراسی و قدرت مافوق مردم در جهت تحقق خواسته‌های آنها گام بردارد. هیچ نشانه‌ای از

نتایج انتخابات ریاست جمهوری اکران شگفتی آور بود، اما غیر قابل انتظار نبود. ولادیمیر زلنسکی یک کم‌دین ۴۱ ساله بدون سابقه و تجربه سیاسی، پروشکو رئیس جمهوری قبلی و رقیب خود را با اختلاف فاحش ۷۳ درصد در برابر ۲۴ درصد در دور دوم انتخابات از میدان بدر کرد و شکست داد. تا مدتی قبل از انتخابات هیچکس تصور نمیکرد که فردی خارج از دایره سنتی قدرت در اکران بتواند به این مقام برسد. علت پیروزی زلنسکی چه بود؟ خود او در یک مناظره تلویزیونی خطاب به رقیبش در باره علت انتخابش چنین گفت: "من نتیجه اشتباهات و وعده و وعیدهای شما هستم. من رقیب شما نیستم، مجازات شمایم." آن اشتباهات و وعده و وعیدها که باعث شکست پروشکو شد چه بود؟ ختم جنگ در دون باس، مقابله با فساد گسترده و اصلاحات در سیستم قضایی که پروشکو در پی "انقلاب میدان" در سال ۲۰۱۴ مبنای تبلیغات خود قرار داده بود، پاره‌ای از آنها بود. مردم برای نفی وضع موجود و پس زدن پروشکو به زلنسکی روی آوردند. یا آنطور که خودش میگوید برای مجازات پروشکو او را انتخاب کردند. اما زلنسکی



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

نامه ای از اصفهان و چند پرسش از حمید تقوایی

سلام

من حدود یک سال است یعنی بعد از اعتراضات دی ماه ۹۶ با حزب آشنا شده ام. بیشتر در فعالیت های عمومی از جمله محیط زیست، علیه حجاب، علیه کار کودکان، حتی در فعالیتهای اجتماعی دور بر خودم مثلا مشکلات کوچه و محله و ... فعالیت کرده ام. در دیماه فعال شرکت کردم. من خودم را آزادی خواه و برابری طلب میدانستم ولی هرگز کمونیست نه. حتی از چپ و کمونیست متنفر بودم، چون کاری که من میکنم به آنها مربوط نبود، آنها به مشکلات جامعه تحت این عنوان که سوسیالیستی نیست، کارگری نیست برایشان مهم نبود و نیست. بارها از من خواسته اند عضو سازمانهایشان شوم و دست از این نوع فعالیت ها بردارم و همین مرا دورتر و دورتر از "چپ" کرده است. اما امروز بعد از یک سال آشنائی با حزب از طریق یکی از رفقای حزب میفهمم که این فعالیت های من عینا کمونیستی هستند، اصلا نمی تواند چیزی دیگری بغیر از فعالیتهای آزادی خواهانه و برابری طلبانه باشد. از نوع من در جامعه خیلی زیاد هستند. هنوز حزب را به آن شیوه که باید بشناسند، نمی شناسند. فکر میکنند این حزب همونوع "چپ" و جریانات چپ است. توضیحاتی که من را به حزب نزدیک کرده است، در عمل حزب، و در صحبت های شخصیت های حزب از جمله حمید تقوایی دیده ام. لطفا نکات زیر را در نشریه

یکی از خوانندگان نشریه بنام مهرزاد از اصفهان نامه زیر را برای نشریه ارسال کرده اند و سئوالاتی را طرح کرده اند و تقاضا کرده اند که حمید

اتان توضیح دهید تا آدمهای مثل من بیشتر به حزب وصل شوند. لطفا سئوالاتم را به حمید تقوایی بدهید جواب دهد.

مهرزاد از اصفهان

مهرزاد : چرا مشکلاتی که برای محیط زیست، جنگلها، دریاها، کوهها و زمینها و همچنین بی توجهی به حیوانات و حتی کشتار سگ و .. هست، به یک حزب کمونیستی مربوط است؟ فعالین چنین حرکت های چرا باید به حزب کمونیست کارگری وصل شوند؟ چرا کسانی که این نوع مشکلات عذابشان می دهد و برای رفعش میکوشند، میتوانند در چهار چوب حزب شما به همین فعالیت ها را ادامه دهند؟

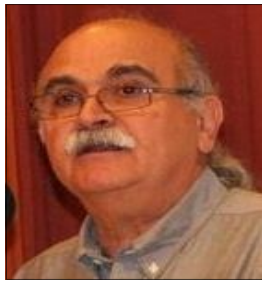
حمید تقوایی : مبارزه علیه تخریب محیط زیست، مساله حیاتی ای که زندگی مردم و بقای کره ارض را در معرض نابودی قرار داده است، فی نفسه و در خود یک امر حزب ما است. همانطور که مبارزه علیه تبعیضات و نابرابری ها و بی حقوقی ها در تمامی عرصه ها یک امر درخود حزب ما است. ما از کمونیسم و مارکسیسم به ضرورت مبارزه در دفاع از زندگی، دفاع از حیات انسانها و حیوانات و کره ارض، و مبارزه علیه نابرابری ها و بی حقوقی ها نرسیده ایم، بلکه برعکس در مبارزه با نابرابری ها و بی حقوقی ها و پایمال شدن زندگی به ضرورت و مطلوبیت مارکسیسم و کمونیسم پی برده ایم. در عصر ما علت همه

تقوایی پاسخ سئولاتشان را بدهند. در اینجا متن نامه، سئوالات و پاسخ آنها را ملاحظه میکنید.

مسائل و مصائب گریبانگیر مردم از جمله تخریب محیط زیست نظام سرمایه داری است و برای رهایی جامعه از نظامی که حیات بشریت و کره ارض را در معرض نابودی قرار داده است باید کمونیست بود. ما یک حزب کمونیست از نظر عقیدتی مارکسیست هستیم اما عضویت در حزب هیچ پیش شرط ایدئولوژیک و تئوریک ندارد. حزب ما حزب همه کسانی است که به نابرابری و فقر و بی حقوقی اعتراض دارند. هرکس برای یک خواست و هدف انسانی و برحق و علیه هر گوشه ای از مصائب و مسائل موجود، از تخریب محیط زیست تا فقر و بی تامینی اقتصادی و از بی حقوقی زن تا اعدام و سرکوب، مبارزه میکند به حزب ما خوش آمده است. از نظر ما مبارزه در این عرصه ها از مبارزه علیه نظام سرمایه داری که مسبب همه این مصائب است جدا نیست.

مهرزاد : در مورد مسئله زن هم همینطور، چند روز پیش نوار سخنرانی اخلاقیات کمونیستی حمید تقوایی را گوش دادم" توصیه میکنم همه گوش کنند" که خیلی چیزها را روشن میکند. اما آیا از نظر شما زن فرقی نمیکند جزو کدام طبقه اجتماعی باشد وقتی بر علیه ستمی که به آن روا می شود اعتراض دارد؟ آیا ستم به زن در خود برای حزب مهم است؟

حمید تقوایی : فکر کنم پاسخ به سئوال قبلی موضوع را روشن کرده باشد. مبارزه علیه ستم بر زن و ستم بر هر بخش جامعه یک امر در خود



حمید تقوایی

حزب ما است. مبارزه برای رهایی زن بخصوص در جامعه امروز ایران که شدید ترین و ضد انسانی ترین تبعیضات و بی حقوقی ها نسبت به زنان اعمال میشود جایگاه برجسته ای در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای رهایی کل جامعه پیدا میکند. به همین دلیل مبارزه علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب اسلامی، و علیه کلیه قوانین و فرهنگ و اخلاقیات و تابوها و مقدسات زن ستیز که بوسیله حکومت اسلامی به جامعه تحمیل شده است یک امر همیشگی حزب ما بوده است.

مهرزاد : آیا یک حزب کمونیست کارگری یعنی حزب آحاد کارگر؟ اگر نه چطور؟ چرا حزب کمونیست کارگری؟ چرا حزب کمونیست مثلا انسانی، نه؟

حمید تقوایی : صفت کارگری نشاندهنده اهداف و سیاستهای حزب ما است و نه ترکیب اعضای آن. ما حزب طبقه کارگر و آلترناتیو طبقاتی کارگران در برابر جامعه سرمایه داری، یعنی سوسیالیسم، هستیم. طبعاً کارگران بیش از دیگران به چنین حزبی جذب میشوند ولی کارگر بودن پیش شرط عضویت در حزب نیست.

در مورد اسم حزب به نظر من عنوان کمونیسم کارگری نماینده انسانگرایی کمونیسم ما هم هست. چرا که اولاً از نظر ما اساس سوسیالیسم انسان است و انسانیت و انسانگرایی در عصر ما تنها

میتواند سوسیالیستی باشد. تا نیا ما معتقدیم که رهایی انسان در گرو پیشروی و پیروزی مبارزه طبقه کارگر علیه نظام ضد انسانی سرمایه داری است. طبقه کارگر بخاطر موقعیت عینی اش در جامعه سرمایه داری و بمنظور آزادی خودش از یوغ سرمایه ناگزیرست و این توان را دارد که کل جامعه را آزاد کند. ازینرو اسم کمونیسم کارگری هم ماهیت طبقاتی حزب ما و هم مضمون و خصلت عمیقاً انسانی آنرا نمایندگی میکند. (برای بحث تفصیلی تر در این مورد خواننده را به مقاله "سوسیالیسم عین انسانیت" است رجوع میدهم.)

مهرزاد : تعریف حزب از حکومت کارگری چیست، آیا حکومت آحاد کارگران است؟ اگر آری، آنطور که بعضی از نیروهای "چپ" میگویند، چه ربطی به برابری انسانها از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دارد؟ وقتی که در جامعه ای هنوز کارگر هست یعنی سرمایه دار هم هست، پس یعنی استثمار هم هست. پس آن حکومت آحادش کارگر باشد یا نباشد باید جامعه را به صورتی سازمان دهد که منافع طبقاتی طبقه ای را حفظ کند که وسایل تولید در دستش است. پس آن اسم بزرگ حکومت کارگری صرفاً یک اسم است؟ امیدوارم شما جوابی دیگری برای نوع حکومت مورد نظرتان داشته باشید؟

حمید تقوایی : ما برای برقراری حکومت کارگری مبارزه میکنیم ولی از نظر ما حکومت کارگری به معنی حکومت صرفاً کارگران نیست، بلکه حکومتی است که اهداف و برنامه و سیاستهای طبقاتی کارگران، یعنی سوسیالیسم، را پیاده میکند. از نظر ساختار

"بعنوان کارگر کمونیست وارد حزب سیاسی ای میشوم که حزب طبقه کارگر ایران است"

این پاسخ دوست کارگر کمونیستی است که اخیراً عضویتش را در حزب به ثبت رساند. پاسخ ما به این دوست هنگامیکه تقاضایش را دریافت کردیم این بود که وی سالهای سال است که عضو این حزب است. اما اعلام رسمی تقاضای عضویت و ثبت آن در حزب در شرایط پر التهاب امروز جامعه، یک پاسخ درخور به ضرورت های سیاسی کنونی است و ما آنرا ارج میگذاریم. در پاسخ به نامه، پاسخی از او دریافت کردیم که بسیار شورانگیز است و در واقع پیامی برای همه کارگران و کل جامعه دارد. از اینرو مناسب دیدیم که این نامه را در سطح علنی انتشار دهیم. پاسخ این دوست خطاب به من است، اما او بطور واقعی دارد حرف دلش را با حزبش و جامعه بازگو میکند. پاسخ این دوست مرا به یاد عزیز محمد جراحی یکی از چهره های محبوب و رهبران کارگری انداخت که در سیزدهم مهرماه ۹۶ یکسال بعد از آزادی از زندان درگذشت که در واقع قاتل او جمهوری اسلامی بود. محمد جراحی در آخرین لحظات زندگی با این پیام به حزب پیوست و گفت: "برای اینکه سوسیالیسم به پیروزی برسد، باید حزب داشت و حزب کمونیست کارگری ایران، حزب من است. و این حزب است که در مقابل جامعه راهکار دارد." محمد جراحی با این گفته و این تصمیم تاریخی پیامی برای کل جامعه و برای عضویت در حزب بود. امروز پاسخ دوست کارگر کمونیست ما خطاب به حزب تاکید دیگری بر ضرورت تحزب یابی و عضویت در



حزب اما در اوضاعی به مراتب پرتلاطم تر است. لب پیام او در این پاراگراف نهفته است:

" من بعنوان کارگر کمونیست وارد حزب سیاسی ای میشوم که حزب طبقه کارگر ایران است، و میخواهم در مبارزات سازمان یافته در سوخت و ساز و در اهداف اش و به سهم توانائی ام شریک باشم. و امروز این تصمیم برای من، و از منظر انتخابی که به باور من در چنین شرایط جدال طبقاتی روبروی کارگر کمونیست قرار میگیرد، یک ضرورت سیاسی است." عزیز را در زیر میخوانید.

رفیق شهلا عزیز! از اینجا و از دل اردوی کار پر تلاطم روی گل ات و همه عزیزان را میبوسم و دست تان را به گرمی میفشارم.

برای من هیچ شغف و افتخاری بالاتر از این نیست که عضو حزب و در میان جمع انسانهایی باشم که با اندیشه ها و متد مارکس و در افزوده های حکمت در عصر توحش سرمایه و با تلاش و مبارزات آگاه ترین، جدی ترین و در عین حال شادترین انسانها سازمان داده شده و بر متن یک جنبش عظیم کمونیستی کارگری قوام یافته و بجلو آمده است، و اکنون چنین افتخاری نصیب من شده است.

هر چند سالهاست خود را در کنار موجودیت و همه موضوعات مرتبط با این حزب

نامه ای از یک رفیق فعال کارگر از ایران در باره عضویت در حزب شهلا دانشفر

به نزدیکترین وجه آن میدیدم، اما بودن در دل این حزب و همه سوخت و سازهای آن در شرایط پر التهاب جدال طبقاتی جاری، یک ضرورت مبرم سیاسی ست.

دوست و رفیق بسیار عزیزی پیشنهاد کرد احساس ام را از پذیرفتن ام بگویم، اما راستش حیف ام آمد که برای پیوستن و بودن در چنین حزب و تشکلی که بر پایه انسانی ترین خواست ها و متمدانه ترین اهداف رهائی بشر امروز و در یک کوران سخت و نابرابر از مبارزه طبقاتی کارگر علیه سرمایه و کارمزدی، زیر سرکوب هارترین مناسبات و رژیم سیاسی سرمایه بجلو آمده و در چنین شرایط پرتلاطمی، تمام احساس و انگیزه ام را نگویم.

شاید اگر ملاحظاتی نبود و یا موقعیتی فراهم میشد که رو به جامعه حرف بزنم، میتوانستم همه احساس و دلایل پیوستن و انتخاب ام را به یک شکوائیه علیه این مناسبات سرمایه و رژیم سیاسی جمهوری اسلامی و علیه نظم نوین «سرمایه جهانی که به رسمیت اش شناخته و در همه جنایات و استثمار و غارت اینها شریکند، تبدیل میگردم، که میتوانستم در موقعیتی میبوم که چشم در چشم جامعه از حق انتخاب و چنین تصمیمی و از حقوق انسانی خود و طبقه و جنبشی که به آن تعلق دارم دفاع میکردم.

من بعنوان یک انسان حق دارم که همین امروز در یک جامعه و شرایط شاد و مرفه و در کنار همه انسانها زندگی کنیم و اگر بعنوان یک کارگر این امکان از من و همه طبقه کارگر و مردمان فرودست

سلب شده، حق دارم معترض این وضعیت تحمیل شده باشم و عضو جنبش عظیم اجتماعی باشم که این وضعیت را نمیپذیرد و علیه این مناسبات سرمایه داری و علیه بردگی مزدی قد علم کرده است. این مناسبات و همه شرایط تولیدی و ... با همه مکانیسم های خودش سیاست را که در گذشته مختص اشراف و قشر خاصی از جامعه بود، بی مهابا و ناگزیر با زندگی و کار کارگران و نیروی کارمزدی و لاجرم من کارگر درگیر و چفت میکند و لزوماً کارگر کمونیست را وارد حزب سیاسی میکند که جنبش اجتماعی خودش بجلو رانده و منافع طبقه کارگر را بطور سراسری نمایندگی میکند، و در همه عرصه ها و در سیاست نمایندگی اش میکند و میخواهد دست به قدرت سیاسی ببرد.

از این سر من بعنوان کارگر کمونیست وارد حزب سیاسی میشوم که حزب طبقه کارگر ایران است، و میخواهم در مبارزات سازمان یافته، در سوخت و ساز و در اهداف اش و به سهم توانائی ام شریک باشم. و امروز این تصمیم برای من و از منظر انتخابی که به باور من در چنین شرایط جدال طبقاتی روبروی کارگر کمونیست قرار میگیرد، یک ضرورت سیاسی ست.

این صحبت های من بخشاش، چکیده احساس من و آنچه بطور واقعی در درون من است را به صمیمانه ترین شکل بیان میکند! با آرزوی شادی، تندرستی و امید به یک دنیای بهتر، همه تان را صمیمانه به آغوش میگیرم!*

نامه ای از اصفهان از صفحه ۷

حکومت کارگری مبتنی بر شوراها همه مردم است. یعنی همه شهروندان از طریق شوراها محل کار و زندگی در همه تصمیمگیرها، در وضع قوانین و در اجرای قوانین، مستقیماً دخالت میکنند. این شکل حکومتی در عین حال بهترین تضمین اجرای سیاستهای سوسیالیستی هم هست چون اکثریت قریب به اتفاق جامعه در نفی بردگی مزدی و اداره اشتراکی تولید ذنبغ هستند. بنابراین تناقضی که در تلقی از حکومت کارگری بعنوان حکومت آحاد کارگر وجود دارد (و فکر میکنم مورد نظر شما در سؤال بود)، یعنی حکومت کارگران در جامعه ای که سرمایه دار و نتیجتاً کارگر نباید در آن جایی داشته باشد، منتفی میشود. در نظام سوسیالیستی تقسیمبندی جامعه به طبقات و موقعیت طبقاتی افراد نفی میشود و از این نقطه نظر نیز حکومت کارگری تنها میتواند حکومت همه شهروندان باشد و نه آحاد یک طبقه معین.*

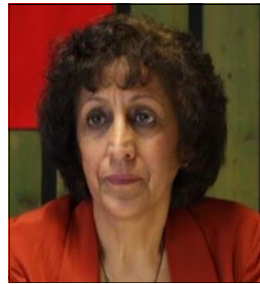
"مبنای انقلاب
کارگری بشریت
است،

مبنای آزادی کارگر
بشریت است،

و مبنای مارکسیسم
آزادی بشریت
است."
منصور حکمت

مروری کوتاه بر مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در سال ۹۷

شهلا دانشفر



مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دو نمونه درخشان از مبارزات کارگری در سال گذشته است. اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز طبعاً خود تابعی از فضای سیاسی جامعه خصوصاً بعد از خیزش دیماه بودند. اما این اعتراضات به سهم خود نقش مهمی در پیشروی اوضاع سیاسی کل جامعه داشتند. به این اعتبار سال ۹۷، سال نقش آفرینی کارگران نیشکر هفت تپه و در صف پیشاپیش آن رهبر محبوبی چون اسماعیل بخشی بود. سال ۹۷ سال اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز و بیش از سی روز اعتصاب و مارش عظیم شان در خیابانهای شهر بود که با شعارهای کوبنده شان شهر اهواز را به لرزه در آورده بودند. مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز در سال گذشته با اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و اختلاسها و دزدهای پشت پرده که کار و شغل آنها را به خطر انداخته بود، شروع شدند. اما این اعتراضات در کف خیابان به اعتراض علیه فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم تبدیل گردیدند. کارگران با مبارزاتشان در سال ۹۷ توانستند توازن قوای سیاسی جامعه را به نفع مبارزات همه مردم تغییر دهند و با جلو آوردن گفتمان های رادیکال و انسانی، کارگر و چپ را در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار دهند. حضور فعال خانواده ها در این اعتراضات، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری و سخنرانی های پرشور آنان و حضور گسترده مردم، پیوستن وسیع زنان و

مردان آزادیخواه و بخش های مختلف مردم از جمله کارگران، معلمان، بازنشستگان به این اعتراضات، ابعاد اجتماعی و به یاد ماندنی این اعتراضات است. این چنین است که نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دو سنگر مهم جنبش کارگری با دستاوردهای ارزشمند هستند و پیشروی های آنها را با هیچ درجه ای از سرکوب و دستگیری نمیتوان عقب زد. مبارزات این کارگران تا همینجا شکست بزرگی برای حکومت اسلامی و یک پیشروی بزرگ برای کل جامعه بوده است.

بدین ترتیب مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز اثر گذار بر فضای سیاسی کل جامعه بودند و در آنها نقش رهبرانی چون اسماعیل بخشی از هفت تپه فراتر رفت. اسماعیل بخشی با گفتمان اینکه برای جلوگیری از اختلاس ها از بالا تا پایین راهکارش ایجاد شوراهای مستقل کارگری و مردمی است و با شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی نه فقط در برابر کارگران نیشکر هفت تپه بلکه در برابر کل جامعه راه نشان داد. از جمله او طی سخنانی در تجمع کارگران میگوید: "ما آلترناتیویمون شورایی و جمعی است. ما فرد محور نیستیم، فرد طلب نیستیم، فردطلبان، ناسیونالیستها، نژاد پرستان، مترجیعین خودشون رو به ما نچسبونن، آلترناتیو ما شوراهای کارگریست، یعنی

جمعی تصمیم می گیریم برای سرنوشت خودمون، از پایین حکم صادر می کنیم هر چی زدن تو سرمون بسه حالا ما تعیین تکلیف می کنیم." با چنین گفتمان هایی اسماعیل بخشی به رهبر محبوب کارگران هفت تپه تبدیل شد. نمونه دیگر از همین دست سخنرانی میثم آل مهدی نماینده کارگران فولاد اهواز در تجمع اعتراضی روز ۲۹ مرداد بود. او در بخشی از سخنرانی خود چنین گفت: "ما کارگریم. ما اهرم اقتصادی دست کسی نیستیم. یعنی هیچ سرمایه داری نمیتواند بیاید ما را اهرم قرار دهد برای اینکه اقتصادش بهتر شود. ما کارگریم. ما خود چرخه صنعتیم. ما قدرت خودمان را میدانیم. ما باید شورای مستقل کارگری خود را تشکیل بدهیم."

در چنین کورانی از اعتراض و مبارزه بود که رژیم اسلامی، هم در نیشکر هفت تپه و هم در فولاد اهواز دست به دستگیری های وسیع زد. بدنبال این دستگیری ها، با کسترش اعتراض در هفت تپه و حمایت های مردمی به جز اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دانشجوی جوانی که جرمش دفاع از مبارزات این کارگران و رسانه ای کردن اخبارش بود، بقیه آزاد شدند. سپس زیر همین فشارها اسماعیل بخشی بعد از ۲۵ روز حبس آزاد گردید. اما او پس از گذشت یکماه و فروکش کردن کمی از دردهای شکنجه های درون زندانش، با یک کیفرخواست علیه شکنجه و زندان لب به

سخن گشود و وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را به مناظره طلبید. سپیده قلیان هم که بعد از ۳۲ روز حبس آزاد شده بود، از کیفرخواست اسماعیل بخشی دفاع کرد و این کیفرخواست به جنبشی تحت عنوان "من هم شکنجه شده ام" تبدیل شد. بدین ترتیب اسماعیل بخشی بار دیگر در نقش یک رهبر در سطح جامعه قد علم کرد و این اتفاق ضربه ای دیگر به حکومت و ماشین سرکوب و جنایتش بود. بدنبال همه این ماجراها جمهوری اسلامی با پخش مفتضحانه " مستند طراحی سوخته " از صدا و سیمایش کوشید ورق را علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برگرداند. این فیلم تحت عناوینی چون بخشی وابسته به حزب کمونیست کارگری بوده و سپیده قلیان کمونیست است و آنچه در هفت تپه و فولاد اهواز گذشته است، همه و همه طرحهای آمریکا و ضد انقلاب بوده است، مقدماتی برای تشکیل پرونده سازی های جدیدی علیه بخشی و قلیان و بازداشت مجدد آنها در سی ام دیماه بود. اما پخش این فیلم بر خشم و نفرت مردم بیشتر دامن زد و جامعه در اشکال مختلف و با شعارهایی چون "توپ، تانک، مستند"، "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، پاسخش را داد. بازداشتی های گروه ملی نیز بعداً با فشار اعتراضات کارگران آزاد گردیدند. این ها همه گوشه هایی از عظمت مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی

به عنوان دو سنگر مهم جنبش کارگری هستند که با نگاهی به آنها به روشنی میتوان تاثیرات این اعتراضات را بر فضای سیاسی کشور مشاهده کرد. به عبارت روشنتر مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی بطور واقعی نشانی بارز از عروج کارگر و عروج کمونیسم با پرچم نه به سرمایه داری، نه به بساط مافیایی چپاول و دزدی، نه به زندان و شکنجه و اداره شورایی است. امروز با چنین گفتمان هایی است

نزدیک به یک ماه اعتصاب در نیشکر هفت تپه دستاوردهای بزرگی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشت. اولین دستاورد آن برداشتن گامهای عملی موثری برای ایجاد شوراهای کارگری بود که تا همین جا الگوی خوبی برای تشکیلاتی در برابر خود این کارگران و کل جنبش کارگری و برای کل جامعه بدست داده است. نکته جالب اینجاست که هم پا با نیشکر هفت تپه، گفتمان شوراها در فولاد اهواز نیز جاری شد و نهال آن کاشته شد.

دستاورد دیگر این مبارزات ابعاد اجتماعی آنها و کشیده شدن دامنه شان به شهرها و به سطح جامعه بود. در این مبارزات دو شهر شوش و اهواز به حرکت در آمد. بخش های مختلف جامعه در حمایت از آن به تحرک در آمدند. گفتمان های آنها در دانشگاهها و در اعتراضات بخش های مختلف جامعه طنین انداخت و نقش خانواده ها در آنها در کیفیتی جدید خود را نمایان کرد. اینها همه درسهای آموزنده ای برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری به جا گذاشت.

از صفحه ۹

در عین حال شبکه ای از همبستگی حول مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز شکل گرفت که شورانگیز است و ابعادش جهانی شد. اینها همه و همه دستاوردهای مهم این مبارزات برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری است و بدون شک امروز این کارگران در موقعیت قدرتمند تری برای پیگیری مطالباتشان قرار دادند. اما اجازه بدهید که کمی هم در مورد نتایج مشخص تر این مبارزات بر روی خواستهایی که این کارگران دارند اشاره کنم.

قدر مسلم اینست که جمهوری اسلامی آشکارا در قبال اتفاق عظیمی که در نیشکر هفت تپه و در کنار آن در گروه ملی روی داده است، خود را بازنده می بیند. از همین رو بعد از خاتمه یافتن این اعتراضات یک تلاش آن امنیتی کردن فضای این دو مرکز کارگری است. ضمن اینکه در همین مدت ناگزیر به عقب نشینی هایی شده است. در هفت تپه رژیم تلاش کرد به اشکال مختلف کنترل خود را بر اوضاع بازیابد. برای اینکار نمایش انتخابات کذایی شورای اسلامی اش را به راه انداخت تا با افراشتن آن، نشان دهد که در این کانون مهم جنبش کارگری دیگر

مروری کوتاه بر مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز

خبری نیست. اما هفت تپه همچنان بصورت یک مرکز جدال کارگران با حکومت اسلامی و سرکوبگری هایش باقی مانده است. از همین رو حکومت اسلامی ناگزیر به عقب نشینی هایی شده است. یک قلم مهم آن "تبرئه" پانزده کارگر بازداشتی این کارخانه است که در جریان اعتراضاتی که داشتند بازداشت و بعدا زیر فشار اعتراضات با قید وثیقه آزاد شده بودند. این کارگران شامل جمعی از هیات نمایندگی کارگران و دیگر فعالین کارگری این کارخانه بودند. قابل توجه اینست که در حکم آنان تجمعات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه که شهر شوش را به حرکت در آورد و صدای این کارگران را در سطح جامعه و جهان انعکاس داد، تحت عنوان "تجمعات مسالمت آمیز" قانونی اعلام شد و بر اساس آن به این کارگران حکم منع تعقیب داده شد. نفس تبرئه شدن پانزده کارگر نیشکر هفت تپه خود یک موفقیت و بطور واقعی ضربه ای بر احکام امنیتی رژیم اسلامی بود. بعلاوه بدنبال اعتراضات

گسترده ای که صورت گرفت، بخشی از طلبهای کارگران نیشکر هفت تپه در ماههای گذشته پرداخت شد و قرار داد کارگران روزمزد به صورت قرارداد مستقیم شش ماهه تغییر کرد. ضمن اینکه موضوع فروش زمینهای این شرکت و خطر بیکارسازی کارگران که موضوع اصلی اعتراضات قدرتمند آبانماه آنان بود، موقتا مسکوت ماند. اما اسماعیل بخشی همچنان در بازداشت بسر میرد.

واقعیت اینست که اسماعیل بخشی امروز بطور واقعی نماینده جنبشی است که چپ، رادیکال و انسانی است. او محبوب همه مردم است و رنگ خود را به چهره اول ماه مه امسال در ایران زده است. حمایت وسیع اجتماعی، پرونده اسماعیل بخشی را به معضلی برای حکومت تبدیل کرده است و رژیم از صدور حکم و دادگاهی کردن وی وحشت دارد. از اینروست که بازداشت او بدون هیچ حکم و قرار دادی ادامه یافته است. آزادی اسماعیل بخشی امروز خواست اول کارگران نیشکر هفت تپه است. در همین رابطه این کارگران در ۲۳ اسفند طوماری اعتراض انتشار دادند که بخش اعظم کارگران در تمام بخش های این مجتمع کارگری آن را امضاء کردند. ضمن اینکه آزادی اسماعیل بخشی و

سپیده قلیان و جعفر عظیم زاده و دیگر کارگران زندانی و معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی یک بند مهم قطعنامه های اول مه امسال کارگران است. بعلاوه، معضل نپرداختن بموقع دستمزدها همچنان باقیست و یک موضوع اعتراض آنان است. این کارگران در عین حال خواستار دائمی شدن قراردادهای موقت کاری هستند.

دستاوردهای مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز را هم میشود از زبان خودشان شنید. این کارگران طی پیامی به مناسبت فرارسیدن سال ۹۸ از دستاوردهایشان سخن گفته و بر حفظ آنها به عنوان سکوی پرشی برای حرکت به جلوی خود تاکید کردند. در این پیام کارگران فولاد اهواز بر قدرت اتحادشان بعنوان پیام اصلی مبارزاتشان در سال ۹۷ و اینکه هیچ سطحی از تهدید، ارعاب، زندان و اخراج، نفاق و ناامیدی نمیتواند این اتحاد را بشکند، سخن گفتند. در این پیام این کارگران همچنین بر دستاوردهایی چون بیرون انداختن موسوی از کارخانه، برپایی مجمع عمومی و نهادینه کردن گفتمان شوراها، افشاء و بیرون کردن مدیران مافیایی، خارج کردن سهام اکسین از زیر چوب، پرداخت حقوقها به روز،

جلوگیری کردن از دست اندازی به حق بیمه های اجتماعی کارگران، ورود مواد اولیه به کارخانه و جلوگیری از به تعطیلی کشیده شدن کارخانه. از جمله روشن نگاه داشتن چرخ سه کارخانه تاکید گذاشته و عزم خود را برای حفظ این دستاوردها اعلام داشتند.

در عین حال کارگران فولاد اهواز در پیام نوروزی خود به نقاط درخشان مبارزاتشان در سال ۹۷ از جمله به همبستگی های شورانگیز با مبارزات خود و پیوند ناگسستنی اعتراضات بخش های مختلف طبقه کارگر و درد های مشترک همه مردم اشاره کردند. و به عنوان آخرین سخن تعرض به اسماعیل بخشی، محمد حبیبی، جعفر عظیم زاده و دیگر فعالان کارگری دربند را به عنوان تعرضی به خود محکوم کرده و بر همبستگی و حمایت خود را از آنان اعلام داشتند.

اما همانطور که جلوتر نیز اشاره کردم وقتی از تاثیرات سیاسی و اجتماعی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی صحبت میکنیم، این تاثیرات بدون شک نتیجه مستقیم خود را بر فضای مبارزات خود این کارگران میگذارد و به جا ماندنی است.

از صفحه ۵

اول ماه مه، روزی برای همه!

نابرابر است. روز قطعی جدال را در برابر ۹۹ درصدی ها قرار می دهد. یازده اردیبهشت - اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی همه ی انسان هایی است که در بالا نام بردم. تنها با اتحاد این «داغ

لعنت خوردگان» است که دنیا از شر و شرارت سرمایه داری و ایران از نکبت و نخوست این رژیم سرکوبگر و ستمکار نجات خواهد یافت. اول ماه مه امسال، باید گفتمان اداره ی شورایی جامعه را پرچم خود سازد.*

روز جلیقه زردهای پاریس است که از نظم سرمایه داری به تنگ آمده اند و برای به زانو در آوردن نظام فاشیستی مکرون، عزم خود را جزم کرده اند. روز کارگران الجزایر و سودان و مصر و عراق و خاورمیانه و جای جای جهان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

در مورد نمایش مسخره "هفته کارگر" حکومت اسلامی

دو روز پیش روز سوم اردیبهشت علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی با یک ژست مسخره و با یک ظاهر رادیکال گفت "امسال روز کارگر را چه مجوز بگیریم چه نگیریم راهپیمایی خواهیم کرد". این رجزخوانی نمایشی بعد از نشست سران خانه کارگر در مورد نحوه برگزاری "هفته کارگر" صورت گرفت. برنامه هایشان آنچنان وقیحانه و نفرت انگیز است که حد و حساب ندارد. برنامه های "هفته کارگر خانه کارگر" از جمله شامل این اقدامات است: "یک روز رفتن سر قبر خمینی و تجدید بیعت با امام راحل"، یک روز دیدار کارگران با رهبری!، گرفتن وقت جهت طرح مطالبات و مسائل کارگران در تریبون های نماز جمعه در سطح کشور، اعتراض به گنجاندن سپاه پاسداران در لیست تروریسم، گنجاندن برنامه برای بسیج کارگری با توجه به درخواست تشکل آنها، ابلاغ برنامه ها و پیام از سوی وزیر صنعت، معدن و تجارت به سازمان های سرتاسر کشور به مناسبت هفته کارگر و فراهم آوردن تمهیداتی برای بازدید وزیر صمت از یکی از واحدهای تولیدی در این هفته؛ پیشنهاد شعاری در راستای اشاره به شعار رونق تولید! اینها و

اقداماتی از این قبیل که تلاشی برای کشاندن کارگران به دنبال حکومت و بیعت با حکومت اسلامی است، برنامه های خانه کارگر حکومت در هفته کذایی کارگر حکومت است.

کل این تقلاها و تلاش برای آویزان شدن به اسم کارگر تنها چیزی که به کارگران نشان میدهد وحشت از اول مه و روز جهانی کارگر و جنبش کارگری است. حکومت اسلامی شاهد

اعتراضات هرروزه و وسیع کارگران با خواستهها و شعارهای رادیکال و کوبنده است. شاهد محبوبیت وسیع روز کارگر در میان کارگران است و میدانند که روز کارگر روز اعتراض به سیستم موجود و مفتخوران و چپاولگران است. خانه کارگر سالهاست تلاش کرده است که اسم کارگر و روز کارگر را لوٹ کند و از این طریق برایی و رزمندگی جنبش کارگری را کند نماید. کارگران جواب این جماعت مزدور و جیره خوار را که کل حکمت وجودی شان خاک پاشیدن به چشم کارگران و جاسوسی و نمایندگی ارتجاع حاکم اسلامی در میان کارگران است داده اند و آنها را منزوی و رسوا کرده اند. و امسال هم با مقابله با تشبثات مسخره این

از صفحه ۶

دو پارگی واقعیت و تعقل. او دچار شیذوفرنی سیاسی شده است و سیندروم گسیختگی افکار و توهمات سران حکومت را بنمایش میگذارد. او برای اثبات ادعای خود

به اطلاعات، آمار و ارقامی رجوع نداده است، به تحلیل از وضعیت اقتصادی رو نمیکند و به گزارش مستندی از وضعیت خرید مردم و زندگی آنها اشاره نمیکند. ادعای او با کمترین استدلالی همراه نیست. او فقط حرف مفت میزند.

جواب ایشان را هر کسی که با اطلاعات و آمار و رقم سر و کار داشته باشد، یا دانش مختصری از واقعیات و کارکرد اقتصاد ایران داشته باشد و یا بهتر از همه آن ۹۰ درصدی از مردم که با حقوقی های زیر خطر فقر زندگی میکنند، میتوانند بدهند. کارگری که حقوقش یک چهارم و یک پنجم زیر خط فقر است جوابش را میدهد. آن ۶۰ درصدی که حتی بنا بر آمار متخصصین دولتی زیر خط فقر زندگی میکنند، جوابش را میدهند. لازم

پادوهای حکومتی مراسم و تجمعات و نمایشات آنها را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی سرمایه داران تبدیل خواهند کرد. خانه کارگر و حکومت اسلامی در میان کارگران و مردم رسوا هستند باید آنها رسوا تر و بی آبروتر کرد و کاری کرد که دیگر جرات نکنند به اسم کارگر دست به نمایشات حکومتی بزنند. این مزدوران حکومتی را باید از محیطهای کار بیرون راند.

پاسخ هفته کارگر جمهوری اسلامی برگزاری گسترده روز جهانی کارگر در سراسر کشور و خواست آزادی کارگران زندانی، اعلام کیفرخواست علیه فقر و گرانی و سرکوب و حقوقهای زیر خط فقر و بیکاری و چپاولگری حاکمین و تلاش برای بیرون راندن کامل خانه کارگرها از محیط های کاراست. با تمام توان در این جهت تلاش کنیم.

**زنده باد اول مه
روز جهانی کارگر
نابود باد حاکمیت
سرمایه داران مفتخور
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۶ اردیبهشت ۲۰۱۹،
۵ اردیبهشت ۱۳۹۸**

هیچگونه توجیهی برای این وحشگری اسلامی قابل قبول نیست. هیچ جنایتی جنایت دیگری را توجیه نمیکند. تروریسم اسلامی کوچکترین ربطی به درد و رنج و مصائب هولناکی که بر مردم این منطقه و جهان رفته است، ندارد. مبارزه برای از میدان خارج کردن تروریسم اسلامی و کل اسلام سیاسی یک وظیفه حیاتی بشریت معاصر و یک رکن تلاش ما برای پایان دادن به مصائب توده های مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری این اقدامات وحشیانه

بیشترین تلفات و جلب بیشترین توجه جهانی قید شده است. قلب ما با بازماندگان و قربانیان این فاجعه دهشتناک تروریستی است.

تروریسم سیاسی کور، کثیف و ضد انسانی است.

در محکومیت اقدامات تروریستی در سریلانکا

هتل در سه شهر سریلانکا به خاک و خون کشید. قربانیان این فاجعه تروریستی عادی ترین مردم عادی اند. بیش از ۳۰۰ نفر کشته و چند صد نفر زخمی نتیجه این اقدام تروریسم است. یک هدف این اقدام تروریستی وارد آوردن

یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۹ یک روز خونین دیگر در تاریخ جهان معاصر است. بار دیگر تروریسم و گانگستریسم اسلامی در یک سلسله اقدامات کور انتحاری و انفجاری انسانهای بیگناه بسیاری را در چند کلیسا و

از ماری آنتوانت تا علاالدین بروجردی: نمایش یک حماقت

نیست کسی اقتصاد دان باشد که بفهمد این گفته ایشان پوچ است.

ایشان از بدیهیات است. بنابراین ایشان با بیان اینکه مردم باید خرید نکنند تا همه چیز ارزان شود، فقط حماقت خود را بنمایش میگذارد و نمک بر زخم مردم میپاشد و آنها را تحریک میکند. این نوع اظهارات را باید در زمره آسیب شناسی حکومت در حال احتضار و نشانه های آتشفشان انقلابی که در راه است و میرود که ماری آنتوانت های ایران را از کاخ هایشان بیرون بکشد، درک و ثبت کرد. تا آزمون باید برای مبارزه با گرانی به گرد پرچمی که تشکل های معلمان و تشکل های کارگری برای افزایش دستمزد به سطح ۷ میلیون برافراشته اند، حلقه زد و با سازماندهی تشکل های سراسری از جمله شوراهای سراسری مبارزاتی در این راه گام برداشت.*

تروریسم اسلامی را قویا محکوم میکند. ما تاکید میکنیم که سر منشاء و پدر خوانده تروریسم اسلامی، رژیم اسلامی حاکم در ایران است، تکلیف نهایی این جریان نیز در ایران و با پیروزی انقلاب توده های مردم تعیین خواهد شد. آن روز دور نیست!

**حزب کمونیست
کارگری ایران
۳ اردیبهشت ۱۳۹۸،
۲۳ آوریل ۲۰۱۹**

فراخوان معلمان به تجمعات سراسری در مقابل مراکز آموزش و پرورش

کرد. بویژه روز معلم یک روز بعد از روز جهانی کارگر برگزار میشود و فرصت مناسبی است که با برافراشتن پرچم گرامیداشت اول مه، روز جهانی کارگر بار دیگر همبستگی مبارزاتی کارگر و معلم را به نمایش گذاشت. حزب کمونیست کارگری همه مردم، خصوصاً خانواده های دانش آموزان و دانشجویان را به حمایت همه جانبه از تجمعات اعتراضی معلمان در روز دوازده اردیبهشت در سطح سراسری و شرکت وسیع در آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۳۰ فروردین ۰۹۸، ۹۸

۲۰۱۹ آوریل

گرفت و هم اکنون شهرهای خوزستان را گرفته است، معلمان در راس ستادهای همیاری مردمی قرار گرفته و نقش پیشتازی در شکل گیری همبستگی وسیع مبارزاتی مردم و جلو آمدن دوباره گفتمان شوراهای مردمی ایفاء میکنند. معلمان با مبارزاتشان و ستادهای همیاری شان امروز به صدای اعتراض سیل زدگان و همه مردم تبدیل شده اند. معلمان با مبارزات تا کنونی شان ممکن بودن برپایی اعتصابات سراسری را به کل جامعه نشان داده اند و تجمعات اعتراضی آنان همواره نقطه قدرت مبارزات خود آنان و کل جامعه بوده است.

از خواستها و مبارزات معلمان باید وسیعاً حمایت

تحصن های خود به دست داشتند و با شعارهایشان بطور واقعی اعتراضشان را به فقر، تبعیض و نابرابری اعلام داشتند. از جمله در میان آنها یکی از بنرهای معلمان شعار "ما خواهان لغو اختلافات طبقاتی هستیم" که جوهر اعتراض برابری طلبانه آنان را بیان میکند، میدرخشید. معلمان با اعتراضات تا کنونی شان نقش مهمی در جلو آوردن خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و خواستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه در سطح جامعه داشته اند و فشار سنگینی روی حکومت چپاولگران حاکم گذاشته اند. امروز نیز در جریان سیل ویرانگری که بیش از ۲۵ استان را در بر

مدارس و بدست گرفتن دست نوشته هایی که خواسته هایشان بر آنها نقش بسته بود، حرکت اعتراضی قدرتمندی را به نمایش گذاشتند. در این حرکت اعتراضی و اعتراضات قبلی معلمان در سال گذشته، آزادی معلمان زندانی، افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیون تومانی و تحصیل رایگان در راس خواسته هایشان قرار داشت. بعلاوه پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به آموزش کالایی، درمان رایگان، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، لغو طرح "معلم تمام وقت" از دیگر خواسته های آنها بود. در این اعتراضات معلمان با بنرهایی که در

"شورای هماهنگی تشکلهای صند فی فرهنگیان ایران" طی بیانیه ای معلمان شاغل و بازنشسته در سراسر کشور را برای ساعت ده صبح روز ۱۲ اردیبهشت یعنی یک روز بعد از اول مه، روز جهانی کارگر به برپایی تجمعات سراسری در مقابل مراکز آموزش و پرورش استانها و شهرستانها فراخوان داده است. این تجمعات تحت عنوان تجمع اعتراضی روز معلم برپا میشود و در راستای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی معلمان و در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان میباشد.

آخرین حرکت اعتراضی معلمان تحصن سه روزه آنان در روزها ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند بود که دامنه اش به صد و ده شهر کشیده شد. طی آن سه روز معلمان با اعتصابی سراسری و تحصن در دفاتر

اول ماه مه پرخروش و پرغوغا علیه همه مصائب بیشمار نظام سرمایه داری از راه می رسد! روز همبستگی بین المللی کارگری با پرچم رهایی کل بشریت برای محو استثمار و تبعیض و نابرابری، برای برپایی جهانی آزاد و برابر و سزاوار انسان.

در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تحمیل فقر و فلاکت، تبعیض و نابرابری و سرکوب فعالین سیاسی و اجتماعی و امنیتی کردن مطالبات بر حق آنها، سیل ویرانگری که حاصل غارت و چپاول و لایبالی گری و بی مبالاتی عامدانه سران حکومت است، بخش های وسیعی از کشور را به کام نابودی کشانده است! مصیبت سیل آنچنان عظیم است که

زنده باد اول مه روز همبستگی بین المللی کارگری بساط زندانهای سیاسی باید برچیده شود!

دزدسالاری و چپاول و سرکوب و ارباب برای همیشه خاتمه دهد، تا کل بشریت و جهان متمدن را از شر جمهوری اسلامی نجات دهد! خواست آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، تعطیل کردن زندانهای سیاسی، اولین اقدامی است که مبارزات مردم بر آن پای می فشارد. کلیه احکام شلاق و آزار خانواده های زندانیان سیاسی باید فوراً خاتمه یابد.

کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

۲۹ فروردین ۱۳۹۸

۱۸ آوریل ۲۰۱۸

مبارزه علیه کل حاکمیت جمهوری اسلامی پرشورتر و مصمم تر از هر زمان به پیش می رود! جامعه در حال انفجار است. این را مبارزات، اعتراضات و اعتصابات و کیفی خواستهای پرشور و سراسری کارگران، معلمان، دانشجویان و بازنشستگان و تشکیل شوراها و ستادهای همیاری دارد اعلام می کند. گفتمان اداره شورایی را رهبرانی چون اسماعیل بخشی به خط اعتراضی مبارزات مردم بدل کرده اند.

جامعه با عزمی راسخ و کیفی خواستی روشن ایستاده است تا به بساط این

اجتماعی محکوم کرده اند. جان رهبران کارگری زندانی را با محروم کردن از دسترسی به دارو درمان با مخاطره جدی روبرو کرده اند و در مواردی عملاً باعث قتل خاموش آنها در زندانها گردیده اند. با آذیت و آزار و تحت فشار گذاشتن خانواده های زندانیان سیاسی می خواهند صدای حق طلبی آنها را خاموش کنند تا بساط چپاول خود را گسترده تر کنند تا تحمیل بیکاری و آوار وحشتناک گرانی را بر زندگی اکثریت جامعه ممکن کنند!

علیرغم توحش و بیرحمی دستگاه های امنیتی و قضایی،

سران حکومت ناچارند اعتراف کنند طی سالهای سال هر بخشی از طبیعت را تا توانسته اند غارت کرده اند! با کوه خواری و جنگل خواری چنین فاجعه ای را رقم زده اند و هست و نیست مردم را چنین به گل نشانده اند!

ده ها فعال محیط زیست به دلیل افشای همین جنایات دستگیر و زندانی و حتی سربسته شده اند! با امنیتی کردن اعتراض به وضع موجود، فعالین و رهبران محبوب کارگری، معلمان، دانشجویان و زنان مبارز را دستگیر و به حبس های طولانی مدت و حکم شیع شلاق و محرومیت از حقوق

مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم!

فراخوان به گرامیداشت اول مه

پیگیری مطالبات معلمان و گرامیداشت روز معلم داده شده است. در این فراخوان معلمان روز جهانی کارگر گرامی داشته اند. متن این فراخوانها را در زیر میخوانید:

شهرهای مختلف اعلام حمایت شده است. فراخوان دوازده اردیبهشت از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و برای

مناسبت روز جهانی کارگر ادامه دارد. در این فراخوان ها از تجمع روز دوازده اردیبهشت در مقابل مراکز آموزش و پرورش در تهران و

فراخوانهایی به مناسبت روز جهانی کارگر به تجمع برای ساعت ده صبح روز اول ماه فراخوان داده اند. فراخوانها و بیانیه های کارگری به

کارگران به تدارک برگزاری اول مه، روز جهانی کارگر میروند. تا کنون کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای شرکت واحد، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان طی

فراخوان شرکت در مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر

نمایند. زمان: ۱۱ اردیبهشت ۹۸ ساعت: ۱۰ صبح مکان: بهارستان - مقابل مجلس زمان ۱۲ اردیبهشت ۱۰ صبح مقابل ادارات آموزش و پرورش تهران: خ طالقانی. اداره کل آ.پ. شورای بازنشستگان ایران

بخش بزرگی از مزد بگیران، این دو روز را گرامی می دارند. شورای بازنشستگان ایران برای بیان مطالبات بازنشستگان و تقویت همبستگی میان کارگران و مزدبگیران جامعه، با مشارکت فعال در برگزاری تجمعات اعتراضی کارگران و معلمان از همه بازنشستگان دعوت می کند در تجمع روز جهانی کارگر و تجمع معلمان در ۱۲ اردیبهشت، فعالانه شرکت

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران، روز اعتراض به مناسبات سرمایه و اعلام مطالبات برحق کارگران است. همچنین ۱۲ اردیبهشت روز بزرگداشت بخشی دیگر از طبقه مزد بگیر ایران، یعنی معلمان است که با طرح و خواسته های مشترک به میدان میآیند. بازنشستگان نیز در کنار کارگران، معلمان و میلیونها بیکارجویای شغل، به عنوان

فراخوان ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

(میدان بهارستان) تجمع برگزار می کند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از تمام همکاران محترم اعم از رانندگان، کارگران تعمیرگاه ها، پرسنل اداری و خدماتی، کنترلین و بازنشسته ها درخواست دارد جهت برگزاری هر چه باشکوه تر روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) روز چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس (بهارستان) حضور بهم رسانند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به خاطر گرامیداشت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۹۸) و در اعتراض به تعیین دستمزد زیر خط فقر، گرانی و تورم افسارگریخته مایحتاج اولیه و معیشت کارگران، بازنشستگان و تمام مزدبگیران، ممانعت از ایجاد سندیکا و دیگر تشکل های مستقل کارگری، خصوصی سازی و پولی سازی آموزش و پرورش، قراردادهای سفید امضاء، تبعیض و نابرابری حقوق زن و مرد، افزایش بی رویه کودکان کار، بازداشت یا زندانی کردن کارگران و معلمان و دیگر فعالین صنفی که بخش عظیمی از کارگران و قشر فرودست جامعه را در بر می گیرد در مقابل مجلس

فراخوان شرکت در مراسم "روز جهانی کارگر"

اردیبهشت، ساعت ۱۰ صبح - بهارستان، مقابل مجلس. کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ۵ اردیبهشت ۹۸

همبستگی کارگران، با حضور گسترده در مقابل مجلس شورای اسلامی، این روز را به نمادی علیه خواسته های بی جواب کارگران و روز فریاد و اعتراض علیه فقر و بیکاری و دستمزد کم و تورم گسترده در جامعه تبدیل کنیم. دیدار ما؛ چهارشنبه ۱۱

گرانی و بالا رفتن هر روزه قیمت ها، وبه تناسب آن دستمزد ناچیز کارگران و مزد بگیران زندگی طبقات فرودست جامعه را به سمت سراسیمگی و قهقراکشانده است. اول ماه مه یازده اردیبهشت ۱۳۹۸ روز جهانی

گرامی باد اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه چهارم اردیبهشت ۹۸

فراخوان شرکت در تجمع روز کارگر و معلم

مکان: مقابل مجلس (مترو بهارستان) زمان: ۱۲ اردیبهشت مکان: خیابان طالقانی مقابل اداره کل آموزش و پرورش گروه اتحاد بازنشستگان

تجمع معلمان در مقابل اداره کل آموزش و پرورش حمایت کرده و از همه بازنشستگان دعوت می کند در هر دو تجمع روز کارگر و روز معلم شرکت نمایند. زمان: ۱۱ اردیبهشت ۹۸

گرامی می دارند. گروه اتحاد بازنشستگان برای اعلام خواسته ها و تقویت همبستگی میان همه زحمتکشان جامعه، از برگزاری تجمع اعتراضی کارگران در مقابل مجلس و

است که معلمان در پی خواسته های خود به خیابان می آیند. بازنشستگان نیز در کنار کارگران و معلمان به عنوان بخش بزرگی از مزد بگیران و زحمتکشان این دو روز را

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر و روز اعتراض بین المللی کارگران و روز اعلام مطالبات سرکوب شده کارگران است. ۱۲ اردیبهشت روز معلم که روز جانباختن دکتر خانعلی؛ معلم مبارز به دست رژیم پیشین است و روزی

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر



سوسیالیسم راه نجات ما است!

میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد حزب کمونیست کارگری!

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیارد شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی

اول ماه مه، روز جهانی کارگران گرامی باد!

HAPPY MAYDAY!

سخنرانان



عصام شکری

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - چپ عراق

اعتراضات کارگران در عراق، پایان یک دوره



جان کلارک

رئیس ائتلاف علیه فقر در انتاریو

OCAP



محسن ابراهیمی

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

موقعیت و نقش جدید جنبش کارگری در ایران

برنامه شامل:

سخنرانی، ویدیو از جنبش کارگری و پیامها

سرمایه داری جهان را به سمت نابودی کامل سوق می دهد!

تنها راه رهایی بشریت از نابودی کامل، رهایی از نظام ناعدلانه سرمایه داری است!

زمان: شنبه ۲۷ آوریل ۲۰۱۹ ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر
نورت یورک سیویک سنتر، اطاق شماره ۲،

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات شرق کانادا
حزب کمونیست کارگری - چپ عراق، تشکیلات کانادا